

ویژه

اتهام شهروند اسرائیلی به جاسوسی برای ایران

دادستان‌های رژیم صهیونیستی قصد دارند یک شهروند صهیونیست را به جاسوسی برای ایران متهم کنند.

الکساندر گرانوفسکی، ۲۹ ساله جدیدترین فرد از میان حدود ۳۰ مظنونی است که در ماه‌های اخیر به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی ایران دستگیر شده‌اند.

به اساس اطلاعاتی که به تازگی منتشر شده است، دادستان‌های رژیم صهیونیستی قصد دارند این فرد ۲۹ ساله را که از ساکنان حومه تل‌آویو است به جاسوسی از بنی گانتس، وزیر جنگ سابق صهیونیستی برای ایران متهم کنند. دادستان‌ها می‌گویند که گرانوفسکی متهم به عکاسی از سایت‌های زیرساختی در مرکز سرزمین‌های اشغالی و برنامه‌ریزی برای عکاسی از محله‌ای است که گانتس، رئیس حزب وحدت ملی در آن زندگی می‌کند.

بنابر گزارش خبرگزاری جوشین نیوز سیندیکیت، این در حالی است که

آدرس منزل بنی گانتس مخفی نیست و می‌توان آن را به همراه تصاویر دقیق از خیابان محل زندگی و محل‌هاش در گوگل پیدا کرد.

همچنین گفته می‌شود که گرانوفسکی اطلاعاتی را درباره یک شهروند صهیونیست دیگر به منظور ارزیابی پتانسیل این فرد برای استخدام برای فعالیت‌هایی که تروریستی عنوان شده، ارائه کرده است.

ظاهراً علاوه بر نظارت بر گانتس، گرانوفسکی اقدامات دیگری نیز برای ایران نیز انجام داده است. اسرائیل هیوم گزارش داد که او در عملیات‌های جنگ روانی، از جمله خرابکاری، گرافیتی علیه دولت بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و خرید وینوگره‌های ارتش اسرائیل برای آتش زدن آن‌ها برای ویدیوی آنلاین شرکت دانش.

همچنین ادعا می‌شود که او در اعترافات خود گفته است که برای دریافت پول دست به این اقدامات زده و ظاهراً از ماه نوامبر شروع به کار برای ایرانیان کرده است. کسانی که به گرانوفسکی دستور می‌دادند او در درباره دستیابی به اسلحه، از جمله تفنگ و نارنجک صحبت و او را موظف کرده بودند تا اطلاعات مربوط به آدرس خانه وزرای اسرائیل را جمع‌آوری کند. به‌علاوه گفته می‌شود که از او خواسته شده بود تا در جریان اعتراضات گسترده اخیر در سرزمین‌های اشغالی خودروها و اتوبوس‌های پلیس را به آتش یکشد.

جامعه جهانی

مواضع اصولی و راهبردی ایران

نماینده دائم ایران در سازمان ملل اعلام کرد که ایران هر گونه نقض تحریم‌های تسلیحاتی یا دخالت در شملهور کردن درگیری‌ها در یمن یا هر جای دیگر را قاطعانه رد می‌کند. «امیرسعید ابرواری» در نامه ای به دبیر کل و شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون اتهامات رژیم صهیونیستی علیه کشورمان در نشست مربوط به بررسی تحولات یمن به اتهامات مطرح شده پاسخ داد.من نامه نماینده کشورمان در سازمان ملل به شرح زیر است:

مکاتبه حوضر اسرائیل با پاسخ به اتهامات بی‌اساس و دارای انگیزه‌های سیاسی مطرح‌شده از سوی نمایندگان ایالات متحده و بریتانیا، که با تریغ و تحریک نماینده رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران در جلسه علنی شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۴ ذیل دستور کار «تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی» (نشست ۹۸۲۶) ایراد شده‌اند، پاسخ دهم.ضمن رد قاطع تمامی اتهامات بی‌اساس علیه کشورم در این نشست، مایلم مواضع جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر یادآور شوم:

۱. اتهامات بی‌بایه مطرح‌شده از سوی نماینده رژیم صهیونیستی که با حمایت نزدیک‌ترین متحد خود یعنی ایالات متحده آمریکاهمراه شده است، تلاشی آشکار برای نادانختن مسئولیت اقدامات غیرقانونی و فعالیت‌های مخرب خود بر گردن ایران است. این رژیم متخاصم صهیونیستی است، نه ایران، که همواره سیاست تحریک و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده را دنبال کرده و تهدیدی جدی برای صلح و امنیت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محسوب می‌شود.
۲. جمهوری اسرائیلی ایران به‌عنوان عضو مسئول در سازمان ملل متحد همواره به تعهدات خود ذیل حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد پایبند بوده و در هیچ‌گونه فعالیتی که با قطعنامه‌های مرتبط شورای امنیت مغایرت داشته باشد، دخالت نداشتنه است. ازاین‌رو، ایران هر گونه نقض تحریم‌های تسلیحاتی یا دخالت در شملهور کردن درگیری‌ها در یمن یا هر جای دیگر را قاطعانه رد می‌کند.
۳. جمهوری اسلامی ایران به‌شدت اقدامات تجاوز کارانه رژیم صهیونیستی علیه حاکمیت و تمامیت ارضی یمن، به‌ویژه حملات آن به غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی نظیر فرودگاه صنعا و بندر الحدیده را که برای تحویل کمک‌های بشردوستانه حیاتی به مردم یمن ضروری هستند، محکوم می‌کند. این اقدامات غیرقانونی، که با حمایت مستقیم و همدستی ایالات متحده و بریتانیا صورت می‌گیرد، نقض فاحش منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل، ازجمله حقوق بشردوستانه بین‌المللی است.

اتمی

ماجرای سه‌شنبه‌های هسته‌ای



یکی از برنامه‌ها و اهداف سازمان انرژی اتمی که همواره پیگیری شده و در دولت چهاردهم با جدیت بیشتری دنبال می‌شود، معرفی هر چه بیشتر دستاوردهای هسته‌ای کشور در رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی درباره آن‌ها برای افکار عمومی است. در همین راستا مرکز دیپلماسی عمومی و اطلاع‌رسانی سازمان انرژی اتمی با راه‌اندازی پویش «سه‌شنبه‌های هسته‌ای» تلاش کرده تا هر هفته به معرفی «فناوری هسته‌ای و کاربردهای آن» در فضای مجازی بپردازد. پویش «سه‌شنبه‌های هسته‌ای» در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با کارکنان صنعت هسته‌ای و تاکید ایشان بر «جهاد تبیین» و لزوم آشنایی هرچه بیشتر افکار مختلف کشور با دستاوردهای صلح‌آمیز و تاثیر این صنعت در زندگی آن‌ها، طراحی و ارائه شده؛ رویداد دیگری که می‌تواند موضوع انرژی هسته‌ای را هر چه بیشتر از مسائل و موضوعات فنی مرتبط با غنی‌سازی و سوخت هسته‌ای متمایز سازد.

این پویش که از آبان ماه سال جاری معرفی شده است، به اشکال مختلف، اطلاعات مربوط به کاربردها و دستاوردهای هسته‌ای به ویژه آن دسته از دستاوردهایی که در زندگی مردم در حوزه‌های پزشکی، کشاورزی، صنعت و غیره موثر هستند را معرفی می‌کند.

این پویش بر روی صفحه ایستاگرام سازمان انرژی اتمی به طور ویژه برای دنبال کنندگان این صفحه اتمی می‌شود. شایان ذکر است که برای شرکت در این پویش حتما باید صفحه سازمان انرژی اتمی (aeoi.ir) را دنبال کنید.

«سه‌شنبه‌های هسته‌ای» هر هفته یک سوال درباره دستاوردها و کاربردهای هسته‌ای طرح می‌کند و جوایزی را نیز به کاربرانی که به سوالات پاسخ صحیح دهند، اهدا می‌کند. تاکنون ۹ پرسش هسته‌ای در رابطه با نیروگاه اتمی بوشهر و تولید برق، دستاوردهای پلاسما، تولید کیت‌های تشخیصی، دستاوردهای پژوهشی و آموزشی سازمان انرژی اتمی، مطرح کرده است.

پنج هده است که فعالیت‌های هسته‌ای در ایران کلید خورده و کاربردهای مختلف آن در زمینه‌های مختلف به ویژه در حوزه پزشکی بسیار پیشرفت داشته است به گونه ای که ایران در حوزه پزشکی پیشگی هسته‌ای یکی از کشورهای سرآمد در سطح منطقه و نیز در جهان است.

هم‌چنین ایران اولین کشور عضو ان‌بی‌تی بوده که در منطقه نیروگاه اتمی راه‌اندازی کرد و به برق هسته‌ای دست یافت. با این حال با شکل‌گیری پرونده هسته‌ای در اوایل دهه ۸۰ شمسی و اعمال فشار سیاسی و بین‌المللی علیه فعالیت‌ها و دستاوردهای هسته‌ای، روند رو به رشد هسته‌ای ایران تا حد زیادی دست‌نخوش مسائل سیاسی شد و انرژی هسته‌ای صرفا به موضوعاتی از جمله غنی‌سازی، سالتریفیوزها، سوخت هسته‌ای و غیره منحصر شد.

«جان‌هافنم» پژوهشگر در زمینه

دفاع و سیاست خارجی در موسسه کاتو در یادداشتی که در نشریه آمریکایی هیل منتشر شده، می‌نویسد: وقتی صحبت از ایران می‌شود، بهترین گزینه ترامپ دیپلماسی است و او باید برای تحقق کاهش تنش‌ها با تهران تلاش کند.

از زمان اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده و مشخص شدن بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، گمانه‌زنی‌ها در خصوص سیاست احتمالی دولت دوم معمار «سیاست فشار حداکثری» علیه ایران، بخش قابل توجهی از تحلیل‌ها در رسانه‌های مختلف داخلی و خارجی را به خود اختصاص داده است.

جان‌هافنم، پژوهشگر در زمینه دفاع و سیاست خارجی در موسسه کاتو در یادداشتی که در نشریه آمریکایی هیل منتشر شده است، با ناکام دانستن سیاست چهارساله فشار حداکثری دونالد ترامپ علیه

ایران که عمدتاً در دولت دموکرات جو بایدن ادامه یافت، می‌نویسد: وقتی صحبت از ایران می‌شود، بهترین گزینه ترامپ دیپلماسی است و او باید برای تحقق کاهش تنش‌ها با تهران تلاش کند. ترجمه کامل این گزارش را در ادامه می‌خوانید اما لازم به ذکر است که انتشار این متن به معنای تایید محتوای آن نیست.

تنش بین ایران و ایالات متحده احتمالاً یکی از اولین چالش‌های مهم سیاست خارجی برای دولت آینده ترامپ خواهد بود. به نظر می‌رسد که تحرکات اخیر تهران (در حوزه توانمندی هسته‌ای) بیش از هر نقطه از تاریخ این کشور، ایران را به ساخت سلاح هسته‌ای نزدیک کرده است و خطر جنگ بین رژیم اسرائیل و ایران - با دخالت مستقیم ایالات متحده - همچنان بالاست. اگرچه بی اعتمادی جدی بین واشنگتن و تهران وجود دارد اما دیپلماسی امکان پذیر است.

نویسنده این مطلب با اشاره به اینکه ترامپ، رئیس جمهور منتخب باید با این تعامل کرده ادعا می‌کند که او از این طریق می‌تواند از پنجره محدودی که در حال حاضر برای خنثی کردن برنامه هسته‌ای تهران به شیوه ای صلح آمیز و کاهش تنش با جمهوری اسلامی وجود دارد، استفاده کند. او از دست دادن این شانس خطر نزدیک شدن ایالات متحده به جنگ فاجعه بار دیگر در خاورمیانه را به همراه دارد، چیزی که او به رای دهندگان قول داد که از آن اجتناب کند. دولت اول ترامپ درس‌های آموزنده‌ای برای دولت دوم ارائه می‌دهد. ترامپ پس از לנו توافقنامه برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با ایران، سیاست «فشار حداکثری» را با هدف تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران از لحاظ اقتصادی و دیپلماتیک

مردم‌سالاری

«هیل» بررسی کرد

چالش زمان در دیپلماسی ایران و آمریکا



اعمال کرد.

نویسنده این مطلب در ادامه لیستی از اقدام‌های ضدایرانی دولت اول ترامپ را ارائه کرده و ادعا می‌کند، ترامپ بزرگ‌ترین تحریم‌های آمریکا را تا به امروز علیه ایران اعمال کرد و با افزایش فشار نظامی بر تهران، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قاسم سلیمانی را در سال ۲۰۲۰ (به شهادت رساند). اسرائیل همچنین زمانی که محسن فخری‌زاده، دانشمند هسته‌ای ایران را در سال ۲۰۲۰ در نزدیکی تهران ترور کرد و در رسال ۲۰۲۱ عملیات خرابکاری را در علیه تاسیسات اصلی غنی‌سازی ایران در نظفز انجام داد، وارد عمل شد. اندکی پس از آن، ایران غنی‌سازی اورانیوم تا ۶۰ درصد به عنوان بالاترین میزان غنی‌سازی در تاریخ این کشور را آغاز کرد.

سیاست فشار حداکثری ترامپ - که عمدتاً توسط دولت بایدن ادامه یافت - در نهایت نتوانست برنامه هسته‌ای تهران را محدود و یا در رفتارهای منطقه ای ایران تغییری ایجاد کند. این اقدام‌ها برعکس بیشتر به توانمندسازی تندرورها در داخل ایران کمک کرد. ایران ذخایر اورانیوم غنی شده با درصد بالا خود را به شدت افزایش داده که ادعا می‌شود برای تولید سوخت کافی برای چندین بمب هسته‌ای در صورتی که تهران به سمت تسلیحات حرکت کند، کافی است. زمان آستانه دستیابی ایران به مواد لازم به اندازه چند هفته تخمین زده می‌شود، اگرچه هنوز هم احتمالاً چند ماه تا یک سال طول می‌کشد تا تهران یک سلاح هسته‌ای قابل استفاده تولید کند. با ورود ترامپ به کاخ سفید در ژانویه، نشانه‌های متفاوتی از سوی ترامپ و مشاورانش به چشم خورده است؛ از یک سو، گزارش‌هایی وجود دارد که رئیس‌جمهور

منتخب می‌خواهد کمپین «فشار حداکثری» خود علیه ایران را تجدید کند و حتی در حال بررسی حملات هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران است. از سوی دیگر، سیگنال‌هایی وجود دارد که رئیس‌جمهور سابق چشم اندازه‌ای معامله با تهران را در نظر گرفته است. ترامپ به نسبت به تلاش‌های آمریکا برای تغییر رژیم در تهران هشدار داده است. مشاور ترامپ در امور خاورمیانه اخیراً اعلام کرده است که ترامپ برای «مذاکرات جدی» با ایران آماده است.

به نوبه خود، تهران اخیراً در زمان مسعود یزشکیان، رئیس‌جمهور اصلاح طلب، که بر اساس وعده‌هایی مبنی بر رسیدگی به بحران اقتصادی ایران از طریق تعامل با غرب، انتخاب شد، به سمت لحن آشتی‌جویانه‌تر البته محتاطانه، حرکت کرد. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در نوامبر به تلویزیون دولتی گفت که تهران آماده از سرگیری مذاکرات بر سرر برنامه هسته‌ای خود است، اما هشدار داد که پنجره چنین مذاکراتی محدود است.

نویسنده این مطلب در ادامه با طرح این ادعا که ضربات وارد شده به محور مقاومت منجر به تضعیف ایران شده می‌نویسد که ایران ممکن است هسته‌ای شدن را به عنوان بهترین شانس خود برای تأمین امنیت تلقی کند. این پنجره مذاکرات ممکن است برای مدت طولانی باز نمانند. دو مانع اصلی برای مذاکره در طرف ایالات متحده وجود دارد: اولاً، دهها سکون در سیاست، واشنگتن را به سمت رویارویی با ایران سوق می‌دهد. این ریشه در یک سوء تفاهم اساسی از تهدید ناشی از ایران برای منافع ایالات متحده دارد. دومین مانع بر سر راه مذاکرات، هم از اعتراضات داخلی و هم از ادامه تشدید تنش

در خاورمیانه ناشی می‌شود. ۱۴ ماه پس از حمله حماس علیه اسرائیل و جنگ‌های بعدی اسرائیل در غزه و لبنان، خاورمیانه شاهد موجی از تشدید تنش از جمله اولین تبادل مستقیم نظامی بین ایران و اسرائیل بوده است.هر گونه توافق بین ایالات متحده و ایران احتمالاً با مخالفت شدید بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل مواجه خواهد شد که مدت‌هاست از تشدید تنش با تهران استقبال کرده است.

به گزارش ایران‌ا، نویسنده در پایان ادعا می‌کند که جایگزین محتمل برای دیپلماسی، جنگ بین ایالات متحده و ایران است که برای ثبات منطقه و منافع ایالات متحده فاجعه بار خواهد بود و در تهران نیز نتیجه معکوس خواهد داشت. حملات پیشگیرانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران - که احتمالاً نمی‌تواند کل برنامه هسته‌ای ایران را از بین ببرد - این خطر را ایجاد می‌کند که تهران را برای ساخت بمب با سرعت بیشتری تشویق کند. پدافند هوایی و قابلیت‌های موشک بالستیک ایران هزینه‌های مالی و جانی قابل توجهی را بر ارتش ایالات متحده تحمیل خواهد کرد. نبردهای آمریکایی برکنده در سراسر خاورمیانه هدف مناسبی برای حملات تلافی‌جویانه از سوی ایران یا شرکای منطقه‌ای آن هستند. بدون هیچ مسیر روشنی برای پیروزی یا چشم اندازی از چگونگی پایان چنین درگیری طولانی مدت، واشنگتن خود را به ورطه نامعلومی پرت می‌کند.

وقتی صحبت از ایران می‌شود، بهترین گزینه ترامپ دیپلماسی است. او باید برای تحقق کاهش تنش‌ها با تهران به عنوان اولین گام ضروری به سوی جدایی آمریکا از خاورمیانه که بسیار مورد نیاز است، تلاش کند.

دغدغه عربستان درباره نقش ترکیه در سوریه

سفر دیپلمات‌ها، وزرا و مشاوران عرب و غربی به سوریه جدید است.

عربستان سعودی در پشت پرده به کشورهای عربی پیشنهاد داده است که سوریه جدید را در مرحله بعد منحصراً به ترکیه واگذار کنند و به همین دلیل و بنا بر توصیه آمریکا، جهان عرب به سرعت به سمت دمشق می‌شتابد تا ترکیه یکه تاز صحنه سوریه نباشد و مدیریت سوریه را به طور انحصاری به دست نگیرد.»

وزیر امور خارجه کویت به همراه دبیرکل

شورای همکاری خلیج فارس به دمشق، از میان کشورهای عربی تنها انزواي امارات در چارچوب جدید سوریه بیشتر از هر زمان دیگری مشهود است.

همچنین با وجود چالش‌های امنیتی و سیاسی مختلف و متنوع، قطار عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با انقلابیون سوریه با سرعتی بی سابقه در حال پیش‌روی است و

به احتمال زیاد، دولت آمریکا نیروی محرکه

سرکرده گروه

«هیئت تحریر الشام» در اظهاراتی گفت که دولت جدید سوریه نمی‌تواند روابطش را با کشورهای بزرگ از جمله جمهوری اسلامی ایران قطع کند. «احمد الشرع» معروف به «بو محمد الجولانی» رهبر گروه «هیئت تحریر الشام» گفت: سوریه نمی‌تواند با کشور بزرگ در منطقه مانند ایران قطع رابطه کند، اما باید روابط دمشق و تهران مبتنی بر اصول دیپلماتیک، احترام متقابل به حاکمیت دو کشور و عدم مداخله در امور داخلی باشد. الشرع به شبکه‌العربیه گفت: «معتمد که نقش ایران در منطقه باید مثبت و قابل درک باشد.» الجولانی با این حال مدعی شد: «مرحله فعلی منلزم تجدیدنظر ایران در سیاست‌های خود است.» وی همچنین گفت که اداره عملیات نظامی مخالفان مسلح سوریه «وظیفه خود را در قبال مفراهی ایرانی» در این کشور انجام داده است. پیش از این، «اسماعیل بقاتی» سخنگوی وزارت امور خارجه ایران ضمن ابراز تعجب از اتهام‌زنی‌های بی‌اساس برخی مجافران رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران مبنی بر دخالت در امور داخلی سوریه، چنین ادعاهایی را کاملاً مردود دانست.

گبری بحران

سوریه به صورت رسمی به کشورهای مختلفی تقسیم خواهد شد. به عنوان نمونه، در بخش شمال شرقی سوریه یک دولت کردی تشکیل خواهد شد و در مناطق مرکزی و جنوبی یک دولت سنی شکل خواهد گرفت. همچنین، در غرب کشور یک دولت علوی ایجاد خواهد شد. طبق دومین سناریوی احتمالی، کشور سوریه به عنوان یک کشور رسمی باقی خواهد ماند و بخش‌های مختلف ایران کشور تحت نفوذ گروه‌های مختلف قرار خواهد گرفت. این احتمال نیز وجود دارد که پس از سقوط بشار اسد، جنگ داخلی در سوریه تشدید شود و گروه‌های مختلف کشور در سوریه بر سر اعمال نفوذ خود درگیر نزاع شوند. یکی از مهم ترین سناریوهای احتمالی در رابطه با کشور سوریه، تشکیل یک دولت موقت با ساختار حکومتی کاملاً جدید که از حمایت بین‌المللی برخوردار باشد.
نتیجه گیری
سقوط بشار اسندد آغاز دورانی از شکل رخ خواهد داد.

رویداد

سفر السودانی از تهران به دوحه

یک منبع آگاه سیاسی گفت که محمد شیخ السودانی نخست وزیر عراق پس از سفر به ایران به قطر می‌رود.

به گزارش بغداد نیوز به نقل از یک منبع سیاسی آگاه نوشت: محمد شیخ السودانی دیروز (سه‌شنبه) پس از سفر به تهران به دوحه پایتخت قطر خواهد رفت.

وی افزود: السودانی در سفر به دوحه با مقام‌های بلندپایه قطری دیدار و گفت و گو خواهد کرد.

این منبع سیاسی اضافه کرد: نخست وزیر عراق در دوحه گفت‌وگوهای عمیقی درباره اوضاع سوریه پس از تسلط هیات تحریر الشام و دیگر گروه‌های همپیمان آن بر این کشور خواهد داشت.

به گزارش ایرنا، نخست وزیر عراق پیش تر در اظهاراتی با تاکید بر اینکه نظام بشار اسد از این کشور درخواست ورود نظامی نکرده بود، گفت که برادر بشار اسد بعد از سقوط نظام این کشور به عراق رفته است.

محمد شیخ السودانی در گفت و گو با شبکه‌العربیه بسا تاکید بر لزوم هماهنگی با سوریه برای کنترل مرزها خاطر نشان کرد: بغداد اجازه نخواهد داد که سلاح و گروه‌های مسلح سوری وارد عراق شوند.

وی اضافه کرد: دولت و نیروهای سیاسی در خصوص دخالت نکردن در امور دمشق توافق نظر دارند. ما در امنیت سوریه اختلال ایجاد نخواهیم کرد و اوضاع و شرایطی که به وجود می‌آید امکان انجام سفر به این کشور را مشخص خواهد کرد.

السودانی با تاکید بر احترام گذاشتن به اراده ملت سوریه تاکید کرد، ما خواستار روند سیاسی فراگیر در این کشور هستیم. رویکرد خود نسبت به اوضاع کنونی سوریه را به دولت این کشور اعلام کردیم و هرگونه اختلال در زندان‌های سوریه باعث می‌شود که با گروه‌های تروریستی رو به رو شویم.

وی گفت: تهدیدهای (رژیم) اسرائیل علیه عراق با هدف گسترش دایره جنگ انجام می‌شود. ما به هیچ طرفی اجازه عملیات خود را در عراق از وارد جنگ و درگیری نمی‌تصمیم جنگ و صلح با ما است. رئیس‌جمهور عراق همچنین نسل کشی‌های رژیم صهیونیستی در غزه را محکوم کرد.

معارضان مسلح در سوریه از بامداد هفتم آذر ۱۴۰۳ برابر با ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ با هدف برکناری بشاراسد از قدرت، عملیات خود را در مناطق شمال غرب، غرب و جنوب غرب حلب، آغاز و سرانجام پس از یازده روز؛ در تاریخ یکشنبه ۱۸ آذرماه کنترل خود بر شهر دمشق و خروج اسد از کشور را اعلام کردند. در همین راستا، «محمد البشیر» که دوشنبه ۱۹ آذر به عنوان رئیس دوره انتقالی سوریه تعیین شده بود، رسماً ریاست دولت انتقالی این کشور تا ماه مارس آینده را بر عهده گرفت.

تروریسم

بایسته‌های حمایتی از جدانشدگان

گروه‌های تروریستی

«احمد کاظمی» در دیدبان حقوق بشر کردستان ایران می‌نویسد؛ از منظر اجتماعی، یکی از افراد و گروه‌های آسیب‌پذیده، افرادی هستند که به دلایل مختلف- که در راس آن وعده زندگی بهتر است- فریب گروه‌های تروریستی را خورده و طی فرایندی به عضویت این گروه‌ها درآمده و بعد از مدتی سا آگاهی از ماهیت این گروه‌ها، و با تحمل رنج و مشقت، از آنها جدا شده، و نادم و بازگشته محسوب می‌شوند.

این نوع افراد آسیب‌پذیده هم از منظر جامعه‌شناسی و هم از منظر حقوقی، نیاز به رویکردهای حمایتی دارند تا بتوانند زندگی عادی خود را در جامعه از سر بگیرند. راهکارها در خصوص اعضای نادم و جدانشده از گروه‌های تروریستی، را می‌توان به دو دسته اقدامات پیشگیرانه و اقدامات پسینی معطوف به تعدیل و محو صدمات عضویت، تقسیم‌بندی کرد. اگر مروری بر نحوه جذب اعضای گروه‌های تروریستی داشته باشیم، در کنار فعالیت کاردهای عضوگیری گروهک‌ها، عمده جذب اعضا از طریق صفحات و شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد.

عضوگیری گروه‌های تروریستی با دو عنصر سوء استفاده از وضعیت‌های اجتماعی و رفاهی و همچنین فریب از طریق دادن وعده‌های جذاب مانند زندگی بهتر، سفر، و خراج و آموزش در کشورهای اروپایی صورت می‌گیرد؛ بنابراین در مقام مقایله، روش‌سنگری درباره تهنی بودن این وعده‌ها و همچنین شگردهای عضوگیری این گروه‌ها در شبکه‌های اجتماعی، مسئولیتی چندوجهی است. از یک سو رسانه‌های عمومی و پر مخاطب و دیگر پلتفرم‌های خبری و عمومی باید در این خصوص برنامه‌ها و تیزرهای تاثیرگذاری تولید و پرباز تأ کنند. از سویی دیگر ارگان‌های ذیربط قضایی باید نسبت به فیلتر این نوع صفحات اجتماعی و همچنین تعقیب حقوقی و کیفری گردانندگان آنان‌ها در سطح ملی و بین‌المللی اقدام لازم را انجام دهد که لازمه استمرار آن تبیین یک کارگروه تخصصی است. فرهنگ‌سازی برای عدم نگرش منفی و استقبال از اعضای فریب‌خورده، نادم و جدا شده گروه‌های تروریستی نیز یکی از اقداماتی است که در کنار رسانه‌های پر مخاطب ملی، باید گروه‌های غیردولتی به با استفاده از ظرفیت‌های عمومی اقدام نمایند. به‌ویژه جای خالی NGO یا سمن‌هایی که در این خصوص خدماتی را به اعضای بازگشته و نادم بدهند، بسیار محسوس است.

در تجربه الگوی جهانی و در بسیاری از کشورها، برای این نوع آسیب‌پذیدگان اجتماعی، و در کنار نهادهای دولتی، سمن‌های مردمی نیز تشکیل شده و خدماتی را از جمله ایجاد اشتغال، حمایت آموزشی، معنوی، روانی و رفاهی انجام می‌دهند.

در عین حال خانواده اولین کانون حمایت از اعضای نادم و بازگشته از گروه‌های تروریستی است. مشاهده می‌شود که در برخی موارد خانواده‌ها به دلایل مختلف از جمله سر خوردگی اجتماعی از پذیرش فرزندان جدانشده خود از این‌گونه سوادری می‌کنند. به‌نظر می‌رسد ارائه و پیش‌بینی مشاوره‌های رایگان روانشناسی برای این خانواده‌ها در حل مشکل موثر خواهد بود.

از لحاظ حقوقی حمایت از اعضای بازگشته و نادم گروه‌های تروریستی را می‌توان در دو قالب حقوق بشری عام و حقوق بشر خاص مورد توجه قرار داد. از منظر نظام عمومی حقوق بشر، این افراد نیز به‌عنوان عضو از خانواده بشری، مانند سایر اعضای جامعه، باید از کرامت، احترام، برابری و آزادی‌های انسانی که در اعلامیه و منشور جهانی حقوق بشر وید و همچنین در قانون اساسی ایران و منشور حقوق شهروندی تأیید شده است، برخوردار باشند. مگر اینکه بر اساس حکم دادگاه صالحه مجازاتی برای آنها در نظر گرفته شده باشد که آن نیز به لحاظ اثر جرم، دوره محدودی در اسباب قانون دارد. به‌دلیل عدم فرهنگ‌سازی عمومی، معمولاً ناهنجار جامعه به این‌گونه افراد حائز نوعی نگرش منفی دائمی است؛ در حالی که از منظر حقوق کیفری، بدون حکم یا محکومیت توسط محکمه، نگرش سلبی برای آنها نمی‌تواند معتبر باشد.